



هدف <= > قانون هدفی از جنس حجاب قانونی

صفحه ۷



صفحه ۶

ناخدا پرستی پنهان

احبار هم و رهبانهم ...

صفحه ۲

ذلت پذیری با پوشش اسلام

صفحه ۳

جای خالی را با «ع» پر کنید

ش [] اور حسینی

صفحه ۴

سخن سردبیر

بن بست

مهدی فراهانی

کارشناسی مهندسی نساجی



مشکلی حل می‌شود؟ باید فکری کنیم به حال خودمان و مشکلاتمان، غرق شدن نسل پرنشاط امروز در ناامیدی و مشکلات سودی برای کسی در داخل خاک ایران اسلامی ندارد.

پزشک نیستیم علاقه‌ای هم به پزشک بودن نداشته و ندارم ولی برایتان در تک تک لحظات زندگی این جمله را تجویز میکنم: «ما مشکل داریم ولی بن بست نداریم»

متخصص امور مشکلات شده‌ایم و دائماً در حال شکوه هستیم.

اساساً نیروی محرکه‌ی یک کشور یا حتی یک شرکت تولید آثار هنری، جوان‌های آن مجموعه هستند و هرچقدر هم آن مجموعه عضو سالخورده و به اصطلاح با تجربه داشته باشد حرکت رو به جلویی از طرف آنها نمی‌بینیم - بنده اصلاً منکر وجوب حضور یک شخص به عنوان هدایتگر جوان‌ها نیستم - در اینجا اجازه بدهید یک سوال مطرح کنم، دانشگاه بدون حضور دانشجویان چه دستاوردی دارد؟ آیا صرفاً با حضور اساتید گاه‌ها پا به سن گذاشته پروژه‌ای انجام می‌شود و مقاله‌ای صادر می‌شود؟ آیا این اساتید هستند که گره‌های صنعت را باز می‌کنند؟ (شما پاسخ بدهید)

تا ما جوان‌ها فقط بنشینیم در اتاق‌هایمان و یا در حال چرخ زدن در کافه‌ها باشیم یا اینکه از بین دود سیگار و... چشم بسته عبور کنیم و زیر لب با خشم گله کنیم چه

ما مشکلات زیادی داریم اما بن بست نداریم. (مشکل؟ بن بست؟) بله ما در خیلی از مسائل مشکل داریم. از اتفاقات کوچک روزانه بگیرید تا ابر مسائل ملی. اگر به تاریخ بنگرید متوجه می‌شوید که ما ملت سختی‌ها و دشواری‌ها هستیم اما هیچ زمان از پا نایستادیم، بهتر بگویم در هیچ هنگام به بن بست نرسیدیم.

گمان نمی‌کنم کسی را پیدا کنید که بگوید امروز جامعه ما با مشکلات روبرو نیست ولی خب؟ می‌توانم وقت خودم و شما را (که حقیقتاً کم بها هم نیست) خرج شمارش مشکلات کنم و از خانه‌ها و مدارس و دانشگاه و... بگویم، در نهایت پشت به دوربین مثل یک قهرمان بروم و فکر کنم که من چقدر آگاهم به مشکلات. البته که کار سختی نیست اینکار چرا که ما ایرانیان در این چند سال گذشته

ناخدا پرستی پنهان

اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند با آنکه مامور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را بپرستند که هیچ معبودی جز او نیست منزّه است او از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند. (توبه/۳۱)

لیا بات

کارشناسی مهندسی شیمی

«رب» به معنای تربیت و به مرور، چیزی را به سوی تعالی و رشد، سوق دادن است و به صورت استعاری، مفهوم اسم فاعل دارد. ربوبیت بر دو بعد است: ربوبیت تکوینی؛ مفهوم توحید در ربوبیت تکوینی آن است که موحد، ایمان و عقیده داشته باشد که تدبیر و اداره تکوین خلقت، تنها به دست پروردگار عالم است (۱). و ربوبیت تشریحی؛ اختصاص به موجودات دارای شعور و اختیار دارد که شامل مسائلی از قبیل فرستادن کتاب آسمانی، فرستادن انبیاء، تعیین وظایف و تکالیف، جعل احکام و قوانین می‌گردد (۲).

واژه «ارباب» چهارم‌رتبه در قرآن کریم اشاره شده است. آیه ۳۱ سوره مبارکه توبه، به قرار دادن دانشمندان و راهبان اهل کتاب به جای خداوند، پرداخته است. ابوبصیر، یکی از یاران امام جعفر صادق (ع) درباره این آیه از امام توضیح خواست و امام فرمودند: «به خدا سوگند، دانشمندان یهود و راهبان مسیحی، یهود و نصاری را به پرستش خود دعوت نمی‌کردند و اگر آنان را به پرستش خود نیز دعوت می‌کردند، مردم نمی‌پذیرفتند؛ ولی آنان حرام خدا را برای مرم حلال می‌کردند و حلال خدا را بر مردم حرام می‌نمودند (و آنها نیز می‌پذیرفتند) و بنابراین یهود و نصاری بدون آنکه خودشان متوجه شوند، دانشمندان و راهبان خود را می‌پرستیدند» (۳).

با توجه به بیان امام صادق (ع)، اتخاذ ارباب، نه به معنای پرستش و سجود مردم در برابر علمای اهل کتاب، بلکه پیروی از دستورات تحریف شده و خلاف دستورات الهی آنان است؛ بدون آنکه خود متوجه باشند که در ربوبیت، دچار شرک شده‌اند.

اسلام، با همان شدتی که با شرک و بت‌پرستی مبارزه می‌کند، با استعمار فکری نیز که شبیه بت‌پرستی است، مقابله می‌کند. قانون‌گذاری و تشریح حلال و حرام، مربوط به خداست و هر کس، دیگری را در این موضوع صاحب اختیار بداند، او را شریک خدا قرار داده است (۴).

از طرفی، مالک حقیقی تمام هستی، خداوند است و هیچ انسانی، بی اذن خدای متعال، حق حکومت و تصرف در انسان‌های دیگر را که ملک خداوند هستند، ندارد (۵).

بنابراین می‌توان گفت هنگامی که مردم از حکمرانانی پیروی محض کنند که مشروعیت و اذن الهی ندارند و بر اساس اراده انسان و نه خداوند، دست به قانون‌گذاری می‌زنند، در واقع آنان را ارباب خود قرار داده‌اند. انسان موحد، چنین حکومتی را طاغوت می‌داند و به آن کافر شده و بر اساس امر به معروف و نهی از منکر، به پا می‌خیزد.

یکی از ویژگی‌های مشرکان، اعتقاد به جبرگرایی است که آیه ۱۴۸ سوره مبارکه انعام به آن اشاره کرده است (کسانی که شرک آوردند به زودی خواهند گفت اگر خدا می‌خواست نه ما و نه پدرانمان شرک نمی‌آوردیم و چیزی را [خودسرانه] تحریم نمی‌کردیم...). همچنین در آیه ۳۸ سوره مبارکه اعراف که به گفتگوی دوزخیان اشاره شده است (... [آنگاه] پیروانشان در باره پیشوایانشان می‌گویند: «پروردگارا، اینان ما را گمراه کردند، پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده.» [خداوند] می‌فرماید: «برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمی‌دانید)، پیروان مشرکان پاسخ می‌شنوند که برای همه‌ی شما عذاب مضاعف است و عذاب پیروان، به این دلیل مضاعف است که آنها بدون دلیل عقلی و شناخت واقعیت‌ها، از رهبران مشرک پیروی کرده و عنان

خود را به دست آنها سپردند (۶). بنابراین، در روی آوردن به شرک، نه توجیه جبرگرایان پذیرفته است و نه می‌توان از مسئولیت پیروی از رهبران مشرک، شانه خالی کرد. پیامبر مکرم اسلام (ص)، تبلیغ خویش را با شعار «ای مردم بگویند: «معبودی جز خدا نیست» تا رستگار شوید.» آغاز فرمودند.

باور به اصل توحید، آنچنان در اعمال موحد و شئون مختلف زندگی، نقش دارد که ارباب زر و زور همواره در برابر موحدان، صف آرای کرده‌اند. از آنجایی که این اصل، همانند مقدمه‌ای برای آموزش سایر اصول و دستورات الهی است، باید بر تقویت آن در عقیده خود، همت ورزید.

منابع:

- (۱) مقاله واژگان سیاسی قرآن کریم، مصطفی جعفرپیشه فرد
- (۲) آموزش عقاید (دوره سه جلدی)، آیتا... مصباح یزدی، ص ۸۴.
- (۳) المیزان، ج ۹، ص ۲۵۱.
- (۴) نمونه، ج ۲، ص ۵۹۴.
- (۵) نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، آیت الله مصباح یزدی، ص ۲۰.
- (۶) تفسیر روشن، حسن مصطفوی، ج ۸، ص ۳۴۲.



ذلت پذیری با پوشش اسلام

زهرا غیائی

کارشناسی مهندسی پزشکی

اسلام رحمانی قرائتی مدرن از اسلام است که مدتی است در ادبیات برخی شخصیت های فرهنگی و سیاسی کشور قوت گرفته است. معنای ساده اسلام رحمانی، دینی است که جز لطافت از آن نبینیم. در مقابل متجاوز، سختی نداشته باشد و برای خیال خام زندگی بهتر، به جای ایستادن در مقابل دشمنان کشور، راه حرف شنوی از آن ها را پیش بگیرد. این نوع قرائت محتوایی وارونه از اسلام را ارائه می دهد. که در این خصوص حضرت علی از روزگاری خبر می دهند که در آن اسلام همچون پوستینی وارونه پوشیده باشد (و لبس الاسلام لبس الفرو مقلوبا). (۱)

قرآن تعریفی از اسلام ارائه می دهد که رحمانیت و شدید العقاب بودن خداوند را در عرض هم دارد. اما به دلیل برخورد گزینشی بعضی افراد با آیات قرآن همچون جهاد، قصاص و ... گمان برده اند اسلام دین پر از خشونت است و تئوری من درآوردی و بی اساس اسلام رحمانی را بیان کرده که هدفی جز فاصله گرفتن از اسلام ناب محمدی را ندارند. و هر مقوله ای که خارج از اسلام ناب باشد، اسلام آمریکایی است. که باید توجه داشت اسلام آمریکایی به هیچ وجه در تضاد با منافع آمریکا نخواهد بود. وقتی مؤلفه مبارزه با استکبار در اسلام ناب با توجه رحمانیت اسلام حذف شود، این امر نشان دهنده بی طرفی این اسلام نسبت به استکبار جهانی است. اسلام رحمانی به عنوان یک مفهوم من درآوردی ریشه در لیبرالیسم غرب دارد. ماهیت این اسلام نه اسلامی است نه رحمانی بلکه حافظ منافع گروه های سلطه گر است. قرائتی که نقش دین را در اداره جامعه به هیچ عنوان پذیرا نیست. چرا که مبنای اندیشه اسلام لیبرالی، جدایی دین از خواسته های فردی و نفسانی و آزادی بی قید و شرط است. بنابراین نگاه اسلام رحمانی به انسان یک نگاه اومانستی است. در این

نگاه انسان، محور و مدار همه چیز و خالق همه ارزش ها است. برخلاف نگاه دین که خداوند محور و مدار همه ارزش ها تلقی می شود و اگر به انسان حق تعیین می دهد، در محدوده ای است که خداوند تعیین کرده. در واقع اسلام رحمانی یعنی اینکه اگر قرار باشد معتقد به اسلام باشیم، معتقد به اسلامی باشیم که نگاهی به حل مشکلات جامعه و وظیفه ای در مستقل نگه داشتن کشور ندارد. همچنین در قبال تغییر ذائقه ای فکری و فرهنگی جامعه وظیفه ای احساس نمی کند.

دکتر کدیور ادعا می کند که مبتکر اسلام رحمانی است و آن را قرائتی نو از اسلام می خواند و در عرض اسلام انقلابی، اسلام سکولار، اسلام فاشیستی، اسلام لیبرال، اسلام سبز و ... می نشاند. و به گفته خودش بیشترین اقبال گران آن را رهبران و همراهان جنبش سبز و حامیان گفتمان اصلاحات در ایران می داند.

دیدگاه گروهی از منتقدان اسلام رحمانی این است که کارکرد این گفتمان، تبدیل جوامع اسلامی از جوامع پویای طرفدار استقلال و پایبند به سبک زندگی اسلامی به جامعه ای خنثی و هماهنگ با غرب و بازار کالاهای غربی است. امروزه هم دستگاه های تبلیغی دشمن و جبهه های دشمن سعی می کنند اسلام سیاسی و اسلام عدالت خواه و اسلام اجتماعی را به عنوان چهره ای خشن در دنیا معرفی کنند و مردم را به اسلام منزوی، اسلام تسلیم طلبانه و اسلامی که در مقابل تجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس العملی از خود نشان نمی دهد، سوق دهد. امام این شکست را و این انگاره های دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود.

(۱) نهج البلاغه حکمت ۱۰۷



جای خالی را با «ع» پر کنید

ش [] اور حسینی

در راهشان قرار داده است، یعنی اگر کسی قبل از قیام امام حسین (ع) با ظالمی مواجه می‌شد وظیفه‌ای بر دوش نداشت اما با ارائه این الگو که الحق نمونه کامل و جامعی از مقابله با ظلم، آزادی، از خودگذشتگی، ایمان، راضی به رضای خدا بودن و... به حساب می‌آید، حجت بر همگان تمام شد و دیگر کسی حق سکوت یا زندگی زیر سایه ظلم و ظالم را ندارد و راه کاملاً برای او روشن است؛ خواه این ظلم از طرف دوست، خانواده، دانشگاه صورت بگیرد خواه از طرف حکومتی آنسوی مرزها!

در ادامه نکته‌ایی که لازم است به آن دقت کنیم این است که مبارزه امام حسین (ع) با «ظلم» بوده است نه «ظالم»؛ اینگونه که هویت شخص اهمیتی ندارد، می‌خواهد یزید باشد، پدرش باشد، پسرش باشد مهم نیست؛ مهم مبارزه با اصل ظلم است.

حال سوالی که پیش می‌آید این است که آیا صدای «هل من ناصر ینصرنی؟» امام حسین (ع) آن هم در حالی که می‌بیند و می‌داند همه یارانش به شهادت رسیده‌اند و کسی نیست که به یاری‌اش بیاید، منحصر به همان زمان و مکان است؟؟

با کمی تأمل متوجه می‌شویم که مخاطب این ندا ما نسل‌های آینده هستیم، کسانی که بعدها از این واقعه با خبر خواهند شد، در واقع همان طور که دکتر شریعتی به زیبایی بیان کرده‌اند «این سوال انتظار حسین را از عاشقان بیان می‌کند»

آری و این یاری نباید به محرم و صفر ختم شود چرا که گفته‌اند «کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا»

حالا بیایید با خودمان قرار بگذاریم هر روزمان حسینی باشد، هر ماهمان، هر سالمان و در آخر کل عمرمان حسینی باشد. از کارهای کوچک پنهان اطرافمان غافل نشویم...

شاید نیازمندی به یاری ما نیاز دارد یا حتی دوستی به کمک درسی ما نیاز داشته باشد یا خودمان نیازمند به مطالعه و امام شناسی هستیم...

یاعلی، شروع کنیم ...



سیده مریم عطری

کارشناسی مهندسی عمران

نمی‌شود؛ همه به سر و سینه می‌زنند و در فراق حسین اشک می‌ریزند و ناله سر می‌دهند.»

- حسین (ع) نه تنها جنس غمش فرق می‌کند بلکه شورش نیز فرق می‌کند اصلاً احساس می‌کنی سبک شده‌ای و تا پرواز فاصله‌ایی نمانده است اما این کافی نیست آخر می‌دانید با یک بال نمی‌توان پرواز کرد و شور و شعور حسینی دو بال پروازند که با هم تو را به حسین (ع) نزدیک می‌کنند.

- بیایید به نهضت امام حسین (ع) بنگریم، همان گونه که در شرح امامت آمده است خداوند برای هدایت، راهنمایی و اتمام حجت با مردم این نشانه‌های درستی را

آری شعور حسینی همان گنجی که اول محرم درش را باز می‌کنیم و گمان می‌کنیم با گذشت اربعین و صفر دیگر نیازی به آن نیست و می‌گذاریم خاک بخورد تا یک سال دیگر...

«اگر یک بار در میهمانی اربعین حسین حاضر شوی، دیگر برایت خیلی سخت می‌شود، در زمان‌های دیگر که حرم حسین آرام و بی‌هیاهو است آنجا باشی. چون حس می‌کنی، تنها در اربعین است که حرمت حرم حسین (ع) حفظ می‌شود؛ - در اربعین است که کسی آرام وارد حرم



چند نما از سینما

مهدی فراهانی

کارشناسی مهندسی نساجی

سینما به عنوان هنر برتر، پیشرفته و البته پیچیده در طول سالیان گذشته مورد توجه مردم به خصوص نسل نو قرار گرفته است. روزانه صدها سالن سینما پر می‌شوند و مخاطبین با احوال متفاوت از در سالن‌ها بیرون می‌آیند، یک نفر را می‌بینیم که هنوز گوشه‌ی چشم‌هایش نمناک است و با هیچکس حرفی نمی‌زد تا چندین ساعت و دیگری صدای قهقهه‌هایش وقتی دارد دیالوگ‌های فیلم را با دوستانش دوره می‌کند، مردم را کلافه کرده است. سینما رسانه‌ای نافذ و تاثیرگذار بر حال جامعه - هم از لحاظ زمانی و هم از لحاظ روحی - می‌باشد. فرهنگ‌ساز و قوی، پر مخاطب و جذاب، حقیقتاً که می‌توان دنیا را تسخیر کرد با این هنر.

رابطه‌ی مردم ایران با این هنر با وجود هزینه‌های تعجب برانگیز بلیت و فیلم‌های سرشار از محتوا و دیگر موضوعات خوب است و می‌توان گفت هنوز جای امیدواری هست. می‌توان هنوز سینما را جایی برای حضور خانواده‌ها شناخت اما نه آنچنان، می‌توان سالن‌های سینما را مکانی برای افزایش آگاهی شناخت اما کم، شاید هنوز می‌توان به آینده‌ی این سینما امیدوار بود اما سخت! این فقط حرف من دانشجوی سال سوم دانشگاه صنعتی امیرکبیر نیست، می‌توان به راحتی فهمید که حال سینما زیاد خوب نیست، کارگردان با تجربه سینما گله‌مند است، تهیه‌کننده متمول سینما شاکی شده است، بازیگران خسته شده‌اند البته نه آنانی که به شهرت و

ثروت رسیده‌اند، وزیر ناراضیست و کیل ناراضیست نماینده مجلس گلایه‌مند است و دیگری بازهم وعده می‌دهد. مردم؟ مردم هم حالشان خوب است، خدا را شکر فقط کافیسست روزهایی که بلیت سینما نیم بها است بروید به نزدیک‌ترین پردیس سینمایی، می‌بینید که مردم هنوز به دنبال فیلم‌ها می‌روند اما فیلم‌ها چه؟ آیا به دنبال مردم می‌روند؟

سینمای بحران زده شاید تیتتر خوبی برای تمام مجلات و مقاله‌های داخلی مربوط به سینما باشد، سینمایی که با داستان خودش در حال غرق شدن است و هر از چند گاهی یک فیلم در این سینما ظاهر می‌شود و اقبال مختلف مردم را مدت کوتاهی با سینما آشتی می‌دهد و تا مدت‌ها بعد سینمای ایران به خوابی عمیق فرو می‌رود. گویی هنرمندان یادشان رفته است که هنر باید برای مردم قابل لمس باشد هنر باید صدای مردم باشد. امروز با سینماگرانی روبرو هستیم که حدس می‌زنم ایران زندگی نمی‌کنند و فقط برای اکران فیلم‌هایشان به تهران و چند شهر دیگر سر می‌زنند. قابل لمس بودن فیلم‌های سینمای ایران دیگر دارد به موضوعی دست نایافتنی مبدل می‌شود.

یک مقایسه کوتاه لازم است تا بتوانیم متوجه شویم که سینمای ایران به هیچ عنوان به جایگاه سینمای هالیوود و اروپا و حتی کشورهای آسیای شرقی نزدیک هم نمی‌شود، موردی که در سینمای ایران چند سالی است مرده ژانر است. ژانر مسئله‌ای است که در این هنر بسیار مهم است و در ایران اصلاً به آن اهمیت داده نمی‌شود، در سینمای کشورمان سینماگران

فقط یادگرفته‌اند که در چند ژانر کار کنند و بشوند سوپر استار و تمام. سوپر استار اعتیاد و معضلات اجتماعی، سوپر استار طلاق، سوپر استار بدبختی، سوپر استار نقش معضلات روحی! عادت کرده‌اند بازیگران و نویسندگان که یک ژانر انتخاب کنند تا لحظه مرگ با همان یک ژانر پول در بیاورند بدون ریسک ادامه دهند.

سینمای ایران در این حالت خواب به یک کریستوفر نولانی نیاز دارد که مثل یک شوالیه در تاریکی ظهور کند و جان تازه‌ای به ژانرهایی که نویسندگان ایرانی از آن می‌ترسند (شاید هم شناسند) بدهد.

از این مسائل بگذریم برسیم به پول ...

۲۰ هزار تومان وجه رایج کشور برای ۹۰ دقیقه به عبارتی می‌شود هر ۵ دقیقه هزار تومان که می‌توان این اعداد را در تعداد از اعضای خانواده‌های خودمان ضرب کنیم تا متوجه شویم برای تولیدات با ارزش کشور عزیزمان میانگین ۸۰ الی ۱۰۰ هزار تومان باید خرج کنیم بدون هیچ چیز اضافی! قیمت بلیطی که با شیب قابل توجهی زیاد می‌شود و مردم را به راحتی از سینما دور می‌کند. مردم دارند به سمتی حرکت می‌کنند که باید پول قابل توجهی بدهند تا محصولی را تماشا کنند که تضمینی برای کیفیت آن نیست و دیگر مجبور شده‌اند به سینما بیایند. مسئولان وزارت ارشاد هم در این مورد هم گل کاشته‌اند و هیچ تلاشی برای بهبود قیمت‌ها نمی‌کنند، اصلاً مسئولان وزارت ارشاد و شخص وزیر با این فیلم‌های روی پرده سینما با خانواده به سینما می‌روند که از بلیت سینماها با خبر شوند؟



مستقیم آزادی ...

لیبرالیسم اولین بار بعنوان یک حزب سیاسی در سال ۱۸۵۰ میلادی در انگلیس مطرح گردید. کلمه ((لیبرالیسم)) به معنای آزادی است و عمدتاً در آزادی‌های سیاسی و اجتماعی کاربرد دارد. برجسته‌ترین ویژگی‌های این مکتب فردگرایی و آزادی زدگی است، اکنون به پنج مفهوم و تعریف آنها در لیبرالیسم می‌پردازیم:

رضا قاسمی

کارشناسی مهندسی مکانیک

لیبرالیسم و فردگرایی:

از ویژگی‌های بارز لیبرالیسم، فردگرایی است. در این مکتب فرد و حقوقش بر همه چیز حتی جامعه مقدم است. مفاهیم جمع‌گرایانه مثل نفع جامعه موهوم است. به اعتقاد فرد لیبرال خود او بهتر از هر شخص صلاح خود را می‌داند، در این مکتب هیچ خیر مطلقى نداریم که بخواهیم بر اساس آن در زندگی فردی انسان‌ها دخالت کنیم، در نتیجه مفاهیمی مثل وحی الهی و دین تقدس‌زدایی می‌شوند. پس خدا، دولت، دین، اخلاق و پیامبران حق ندارند برای افراد دستور صادر کنند. در لیبرالیسم این تمایلات نفسانی و مادی هستند که به انسان معنا می‌دهد و عقل نه جستجوگر حقیقت بلکه دیده‌بان تعلقات مادی و در خدمت آن است. از طرفی چون اصالت فردی مورد توجه است باعث نوعی خودخواهی می‌شود، و اگر هم نوع دوستی و جامعه‌گرایی به میان آید در جهت کسب منافع شخصی است. رشد این خودخواهی‌های فردی باعث زوال اخلاق اجتماعی و نوعی آنارشیزم و هرج و مرج در جامعه می‌شود.

لیبرالیسم و آزادی:

آزادی را غایت نهایی می‌پندارند؛ لیبرال‌ها آزادی را یک ارزش ذاتی می‌دانند و نه صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف برتر، در اینجا یک تناقض ایجاد می‌شود اینکه آزادی را مقدس می‌دانند ولی آنرا محدود کردند به رها شدن از قیود و بدون هیچ محدودیتی زندگی کردن و این بازمی‌گردد به اینکه تعریف واقعی آزادی را نفهمیده‌اند، تعریف شهید مطهری از آزادی یعنی نبودن موانع در راه رشد و تکامل و ترقی انسان و با

تعریف لیبرالیسم از آزادی تفاوت زیادی دارد، آزادی در این مکتب در واقع خود مانع است، مانع در برابر رشد انسان و به سعادت و به خدا رسیدن است. نگاه غالب لیبرالست‌ها به آزادی، آزادی منفی است. و این مفهوم ((مداخله نکردن)) را می‌رساند.

نکته دیگر اینکه لیبرالیسم میل به آزادی مطلق دارد، ولی در حقیقت نمی‌شود به مطلق بودن آزادی فتوا داد چرا که آزادی مطلق خودستیز است و در نهایت باعث نابودی انسان می‌شود و این هم از موهومات این مکتب است.

لیبرالیسم و عدالت:

در گفتمان لیبرالی، آزادی نسبت به عدالت تقدم دارد. و در واقع عدالت را برپایه‌ی آزادی بنا نهاده‌اند، لیبرالیسم اصل عدالت را در رابطه با آزادی و به معنای آزادی‌های فردی دانسته و هر عاملی که باعث محدودیت این آزادی فردی شود مغایر با عدالت است، بعضی فلاسفه لیبرال هستند که مفهوم عدالت را بر مبنای شایستگی استوار می‌کنند. به این معنا که انسان‌ها باید ظرفیت لازم را برای برخورداری از مواهب ایجاد کرده باشند یا با عمل خود شرایط را فراهم کرده باشند. و این با معنای واقعی عدالت که مفهوم برابری و مساوات را می‌دهد در تناقض است. ولی با این حال متفکرین لیبرال جدیدتر نگاه مثبت‌تری به عدالت دارند مثلاً طبق نظر (راولز) عدالت به معنی انصاف و تساوی همگان در برخورداری از آزادی است.

لیبرالیسم و دولت:

تفکر لیبرالیسم کلاسیک در مواجهه با دولت و سیاست، دولت حداقلی است. طبق این اندیشه وظیفه اساسی دولت، پاسداری و حمایت از حقوق، آزادی و ارزش‌های خود بنیاد و مستقل افراد است، و دولت حق هیچگونه مداخله در این امور را ندارد. کمینه‌گرایان، مداخله دولت در مبارزه با

فقر، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، بهداشت و آموزش عمومی را ناروا می‌پندارند. اما از طرف دیگر بعد از جنگ جهانی اول نظریه دولت حداکثری یا دولت رفاه قوت و شدت گرفت و اغلب لیبرال‌ها اعم از فردگرا یا جامعه‌گرا، از آن حمایت کردند. دیدگاه راولز درباره عدالت و توزیع برابری و برخورداری محروم‌ترین قشر جامعه از فرصت، قدرت، حقوق فردی و اجتماعی تا رسیدن به سطح تعادل در برجسته‌سازی دولت رفاه موثر بود. اما فارغ از همه اختلافاتی که در اندیشه سیاسی لیبرالیسم به چشم می‌خورد موردی که قابل نقد است بی‌طرف بودن دولت یا به اصطلاح سکولار بودن حکومت و جدایی دین از شئون سیاسی و اجتماعی است.

لیبرالیسم و اخلاق:

درنگرش این مکتب، ارزش‌های اخلاقی و انسانی تهی از بار ارزشی هستند، مهم‌ترین نکته‌ای که در مورد مکتب اخلاقی لیبرالیسم می‌شود گفت نسبی‌گرایی و نگاه نسبی داشتن به ارزش‌های اخلاقی است، طبق نظر متفکران این مکتب هیچ حکم اخلاقی را نمی‌توان یافت که فراتر از سلاقی و توافقات جمعی باشد بنابراین نسبی‌گرایان اخلاقی معتقدند: هیچ حکم اخلاقی کلی و مطلق وجود ندارد، و هر یک از این احکام تحت شرایطی خاص معتبر هستند و با تغییر آن شرایط، آن حکم نیز فاقد ارزش خواهد شد. اگر بخواهیم با مبنای فردگرایی، به این نسبت نگاه کنیم چنین می‌شود که مثلاً معنای ((خوب)) به اراده او بستگی دارد، و به این دلیل که ارزش‌های اخلاقی تهی از بار ارزشی برای او هستند این خود اوست که به ((خوب)) معنی می‌دهد و با گذر از این فرد به فرد دیگر شرایط تغییر می‌کند و معنی این کلمه چیزی دیگر می‌شود.

سخن پایانی: در صورت می‌شود گفت که لیبرالیسم حداقل در بین مکاتب مادی دیگر کامل‌ترین مکتب فکری است، از این جهت که تقریباً به همه مفاهیم اشاره می‌کند مفاهیمی مثل آزادی، عدالت، اخلاق، اقتصاد، فرهنگ، فرد و در نسخه جدیدترش یعنی نئولیبرالیسم مفهوم مبهمی که از جامعه داشت را تا حدودی ابهام‌زدایی می‌کند، ولی با این حال چون توجهی به بُعد معنوی ندارد در خیلی از مفاهیم اشتباه می‌کند و این به جهان‌بینی فردی و اجتماعی که دارد برمی‌گردد.



هدفی از جنس حجاب قانونی

هدف «>» قانون

فاطمه سادات هوشمند میر حسینی

کارشناسی مهندسی هوافضا

صحبت از قانون حجاب که می‌شود، ذهنمان سمت بحث‌های پیچیده و عمدتاً بی‌نتیجه می‌رود.

امروز می‌خواهم ساده بگویم...

بله، دختران و زنان جامعه ما حق دارند بدانند، حق دارند پرسند خصوصاً در مورد موضوعاتی که صرفاً نامش قانون است و در کشور ما حتی ارزش مقررات راهنمایی و رانندگی را هم ندارد.

اصلاً چرا ما باید حجاب داشته باشیم؟

نمی‌دانم چرا در بحث حجاب اینقدر کلمه اجباری را بکار می‌بریم، ما حجاب اجباری نداریم، حجاب از سنخ عقیده است و اساساً اجبار بردار نیست، باید گفت حجاب قانونی یا پوشش قانونی. پوشش در وهله اول امری اجتماعی است. همه‌ی کشورهای دنیا نسبت به پوشش قوانینی دارند، البته مسئله‌ی پوشش در ایران با هیچ کشوری قابل مقایسه نیست، پوشش در هر کشوری ممکن است یک پروسه باشد اما در ایران یک پروژه است. دختران سرزمین ما خود، حجابشان را انتخاب نمی‌کنند. چند کشور سراغ دارید که پوشش‌شان از بیرون با این ظرافت تعقیب شود و برایش برنامه ریزی کنند، مسئله حجاب در ایران با ترکیه و لبنان و افغانستان... قابل قیاس نیست، آنها تهدیدی برای آمریکا به شمار نمی‌روند، قطعاً اگر غرب نتواند بر جامعه‌ای مسلط شود، از طریق ترویج فساد و فحشا اقدام به براندازی جامعه هدف می‌کند.

گرچه مایلیم به بحث فلسفی حجاب بپردازم که در جای خود اهمیت بسیار دارد، ولی اکنون بحث مهم‌تری در پیش است. با این حال پیشنهاد می‌شود حتماً در این حوزه کتاب‌هایی همچون فلسفه حجاب از شهید مرتضی مطهری را مطالعه بفرمایید.

دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی با بحث عفاف و حجاب و مسائل فرهنگی بازی می‌کنند، صحبت از حجاب را که به میان می‌آوری می‌گویند:

حالا مگر مشکل ما چند تار مو است!

(چون برخی از این قیافه گرفتن‌ها برایشان برد دارد). بله تجربه آندلس به خوبی نشان می‌دهد که مسئله اصلی امروز جامعه ما مسائلی از جنس حجاب است، گذشته ایران را که نگاه می‌کنی تجربه‌های کاملاً موفقی برای تحمیل مدرنیته خواهی دید، چون این نسخه برای انسان اروپایی پیچیده شده.

پیشنهاد می‌کنم واژه‌ی HUMAN ZOO را جستجو کنید آن زمان به صحت حرف بنده پی می‌برید.

در حال حاضر کسی نمی‌تواند حبّ الحسین را از یک ایرانی بگیرد اما اگر ذائقه و نیازهای اولیه روحی و جسمی ایرانی تغییر کرده و مشابه غرب شود به راحتی می‌توان وجود یک ایرانی را از حبّ الحسین تهی کرد.

اکنون به بررسی اجمالی پیشنهادی از مصوبات این حوزه خواهیم پرداخت: شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۶۶ مورخ ۱۳۸۴/۵/۴ سندی با عنوان «راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف» را مصوب نمود.

و شورای فرهنگ عمومی در جلسه ۴۲۷ خود در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ آیین‌نامه «راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» را به تصویب رساند. به موجب این آیین‌نامه ۲۶ دستگاه اداری موظف به اجرای فعالیت‌های معین شده‌اند.

مصوبه فوق در بند ۹ وظایف وزارت کشور بیان می‌دارد: «وزارت کشور به عنوان نماینده‌ی رئیس جمهور بر کلیه ارگان‌ها و وزارتخانه‌ها جهت رعایت عفاف و حجاب نظارت نماید!» و شاید این جمله شروع نقطه اوج فاجعه این مصوبه باشد.

۲۶ سازمان و وزارتخانه در اجرای قانون عفاف و حجاب مسئولیت دارند که گزارش‌های برخی از آن‌ها در حد یک گزارش اداری بوده البته انتظار می‌رود، این قانون حداقل در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی اجرا شود! یعنی ۱۴ سال از تصویب قانون عفاف و حجاب در شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گذرد ولی هنوز بحث عفاف و حجاب نه متولی درست و حسابی دارد و نه در اولویت اجراست.

اخیراً شاهد مصوبه‌ای بودیم، تحت عنوان

«مجموعه تکمیلی اقدامات اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» که در جلسه ۸۲۰ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است.

این که این مصوبه، برتری خاصی نسبت به مصوبات قبلی دارد یا «خیر»؟! بماند، این که ماده ۴ این مصوبه با افتخار بیان داشته «کلیه مصوبات قبلی شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص عفاف و حجاب به «قوت» خود باقیست»، بماند.

*اینک باید دید آیا این مصوبه که تنها شامل مسائلی به دور از فضای اجرایی و ضمانت اجرایی است، نقشی در ارتقاء وضعیت حجاب و عفاف در کشور خواهد داشت؟! (البته که پاسخ این سوال مشخص است.)

اگر امروز یک هماهنگی بین دستگاه‌ها برای جلوگیری از پوشش‌های حیا زدا وجود نداشته باشد، فردا بسیار دیر است!

برای تحقق فرهنگ عفاف و حجاب همه باید هماهنگ باشند؛ بایستی همه مسئولان و سازمان‌ها در زمینه عفاف و حجاب با همکاری یکدیگر اقدامی جدی و بنیادی انجام دهند.

در حال حاضر بسیاری از خانواده‌ها برای تهیه لباس با پوشش مناسب در بازار با مشکل مواجه هستند و این مسئله به عنوان یک تهدید از نظر فرهنگی و اقتصادی محسوب می‌شود، البته بماند که حجاب این روزها برای خانم‌ها گران تمام می‌شود، و هرروزه شاهد افزایش بی‌رویه قیمت ملزومات حجاب هستیم.

شبکه‌های اجتماعی و فضای سایبر در کشور ما دچار مشکل شده و رها شده‌اند و اکنون ولنگاری فرهنگی در این زمینه را شاهد هستیم و در این عرصه دشمن خوب ورود می‌کند. *نیل به فرهنگ متعالی با شعار امکان‌پذیر نیست، بلکه با انجام هزینه می‌توان محصول تولید کرد و اگر می‌خواهیم برنامه‌های فرهنگی در کشور به نتیجه مطلوب برسد باید دولت و مجلس برای آن هزینه کنند. مقابله با فرهنگ منحط غربی به ویژه در حوزه حجاب و عفاف نیازمند هماهنگی، داشتن



صاحب امتیاز:
انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه صنعتی امیرکبیر

مدیر مسئول و سردبیر:
مهدی فراهانی

هیأت تحریریه:
مهدی فراهانی، لعیایات، زهرا غیائی، رضا قاسمی،
سیده مریم عطری، فاطمه سادات هوشمند میر حسینی

ویراستاری و بازبینی نهایی:
مهدی فراهانی، محمد عادل یوسفی

طراح لوگو و قالب:
محمد عادل یوسفی

صفحه آرا:
مهدی فراهانی، محمد عادل یوسفی

▼ تقدم رعایت‌کنندگان حجاب و عفاف، در جامعه و حمایت از نخبگان با حجاب و معرفی افراد نمونه محجبه!
▼ برخورد غیرمستقیم با عوامل فساد و پوشش نامناسب از طریق تشکل‌های دانشجویی!
▼ حمایت از تشکل‌های فعال دانشگاهی جهت انجام اقدامات مناسب در گسترش فرهنگ عفاف!

▼ تاکید بر ضرورت رعایت پوشش و الگوهای اسلامی توسط کارکنان و دانشجویان و اساتید و آرایش نکردن در دانشگاه‌ها!

این مطالب و مطابقت آن‌ها با اوضاع دانشگاه آنقدر واضح است که آن را بر عهده خواننده می‌گذارم. *پنده به عنوان یک دانشجوی خواستار محیطی امن و سالم در دانشگاه صنعتی امیرکبیر از معاونت فرهنگی دانشگاه و مسئولین مربوطه خواستارم در سیاست‌های خود اندکی تأمل بفرمایند و موذنان جامعه را پیش از این به سمت تباهی هدایت نکنند.*

اطلاعات روز، همت و عزم جدی و راهبری وزارتخانه‌های مرتبط است که باید محکم پای این موضوع بایستد و وزارت کشور باید این موضوع را خیلی محکم و مدبرانه و به صورت مستمر پیگیری کند.*
در پایان به بیان مواردی از وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این مصوبات می‌پردازیم:

▼ استفاده از ظرفیت دروس عمومی و معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با مبانی، اصول و فرهنگ عفاف و حجاب (!)
▼ مشارکت دهی والدین در نظارت و مراقبت بر رفتار فرزندانشان در محیط دانشگاه و خوابگاه‌ها. (کافیست همین والدین سری به خیابان‌ها و کافه‌های اطراف دانشگاه و خوابگاه‌ها و حتی داخل دانشگاه و خوابگاه بزنند و مظاهر عفاف را از نزدیک مشاهده کنند، آنوقت علاوه بر فرزندان خود نیز دیگر آرامش روانی نخواهند داشت!)

▼ نظارت جدی بر اجرای آیین‌نامه انضباطی دانشجویی در محیط‌های دانشگاهی، دانشکده‌ها، خوابگاه‌ها، اردوها و همایش‌های دانشجویی در زمینه توسعه فرهنگ عفاف. (نظارت، آن هم نظارت جدی!)